

نگاه اهل سنت به حادثه عاشورا

دیدگاه اهل سنت راجع به کربلا و عاشورا چگونه است؟ آیا عید گرفتن در عاشورا ربطی به عید گرفتن بنی‌امیه دارد؟

جهت رعایت عدل و انصاف باید اذعان داشت که دیدگاه‌های اهل سنت یکسان نیست و نمی‌شود حکم واحدی در مورد همه‌ی آنها داد. بالعکس اهل تشیع که به خاطر اجتماع حول یک محور «ولایت و امامت» از دیدگاه واحدی برخوردار هستند.

به عنوان مثال اگر به اهل سنت ایران توجه شود، همگی اهل بیت (علیهم السلام) را دوست داشته و معظم می‌دارند و اگر به اهل سنت ترکیه توجه کنیم، چند دسته هستند. در حالی که برخی از حنفی‌ها [در آنکارا، استانبول و ...] تعصبات شدیدی دارند، نام بسیاری از مسلمانان اهل سنت مناطق کرد نشین، حسن یا حسین است. یکی از آنها که نامش حسن بود می‌گفت: ما با روضه امام حسین (علیه السلام) که پدرانمان می‌خوانند بزرگ شدیم و معاویه و یزید را دائم لعن می‌کنیم.

برای شناخت دیدگاه اهل سنت، باید دسته‌بندی‌های متفاوتی در نظر گرفت. به عنوان مثال: کتب و منابع معتبر آنها یک شاخه است و دیدگاه عامه‌ی مردم که معمولاً کتاب نمی‌خوانند به سخن بزرگان خود گوش می‌دهند یک شاخه‌ی دیگر است و سخن بزرگانشان نیز کاملاً متفاوت و اغلب متضاد است. به همین دلیل اهل سنت، از یک مذهب در دو قوم، کاملاً دیدگاه‌های متفاوتی دارند.

الف – منابع معتبر و کتب:

-ابن عماد حنبلی که از بزرگان اهل سنت است، حوادث کربلا و عاشورا را نقل می‌کند و سپس می‌نویسد: «قاتل الله فاعل ذلک وأخزاه ومن أمر به أو رضیه ...» خداوند بکشت کسی را که امام (علیه السلام) را کشت و خاندان اهل بیت (علیهم السلام) را به اسارت برد و راضی به این عمل بوده است. «شذرات الذهب (متوفی ۱۰۸۹) ج ۱ ص ۶۶»

عید گرفتن در روز عاشورا، همان سنّت یزید و یزیدیان است. و البته منظور از عید همان روز جشن و شادی بوده است. چنان چه در زیارت عاشورا تصریح شده است «وَهَذَا يَوْمٌ قَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ يَقْتُلُهُمُ الْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - و این روز است که در آن شادمان شدند دودمان زیاد و مروان به خاطر قتل حسین صلوات الله علیه»

-آلوسی، متوفی ۱۲۷۰، یکی از علمای اهل سنت است که نه تنها خصومت خاصی با تشیع دارد، بلکه گاه از «وهابیت» که نه شیعه است و نه سنی، بلکه یک تشکیلات بنیانگذاری شده توسط انگلیس برای نابودی اسلام است نیز دفاع کرده است، در پاسخ عده‌ای که برای خلاصی از وجدان درد در طرفداری یزید مدعی شدند او توبه کرده است، می‌نویسد: **الظاهر أنه لم يتب، و احتمال توبته أضعف من إيمانه، و يلحق به ابن زياد و ابن سعد و جماعة فلَعَنَهُ اللَّهُ عز و جل عليهم أجمعين، و على أنصارهم و أعوانهم و شيعتهم و من مال إليهم إلى يوم الدين ما دمعت عين على أبي عبد الله الحسين .»**

ترجمه: **ظاهر این است که یزید توبه نکرده است و احتمال توبه او ضعیف تر از ایمانش است و ابن زیاد و ابن سعد ملحق به او هستند و تا چشمی برای امام حسین اشک می ریزد خدا یزید و اتباع او را لعنت کند**. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۳، ص: ۲۲۸)

-ابن جوزی، که او نیز از علمای معروف و معتبر اهل سنت است، در پاسخ به اعتقادات خطای برخی از اهل سنت راجع به یزید [مانند ابوبکر ابن عربی مالکی]، خلافت غصبی و خلاف‌هایش می‌نویسد: «از اعتقادات بعض عامه که خود را سنی می‌دانند این است که: یزید کار درستی انجام داده است. (این ادعا به استناد همان جوسازی زمان امام حسین (علیه السلام) که می‌گفتند یزید خلیفه است و بر هر مسلمانی واجب است با او بیعت کند و اگر نکند از دین خارج شده و خونس مباح است). ابن جوزی ادامه می‌دهد: «آنها اگر به تاریخ نگاه می‌کردند می‌فهمیدند که اصلاً یزید خلیفه نبوده و مردم ملزم [مجبور] به بیعت با او شدند و یزید از هیچ کار قبیحی دوری نکرده است و بر فرض که عقد بیعت او صحیح هم باشد، خلافت‌کاری‌هایی از او سر زده است که همه آنها موجب فسخ بیعت است و با وجود این، به حرف ابوبکر ابن عربی مالکی کسی تمایل پیدا نخواهد کرد مگر انسان‌های جاهل.»

ب - عید گرفتن بنی‌امیه و تداوم آن:

اما عید گرفتن در روز عاشورا، همان سنّت یزید و یزیدیان است. و البته منظور از عید همان روز جشن و شادی بوده است. چنان چه در زیارت عاشورا تصریح شده است «وَهَذَا يَوْمٌ قَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ يَقْتُلُهُمُ الْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - و این روز است که در آن شادمان شدند دودمان زیاد و مروان به خاطر قتل حسین صلوات الله علیه».

پس از آن دشمنان اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) که در لباس اسلام و ادعای مسلمانی حکومت بر مسلمین را بر عهده گرفتند، برای آن که از سوئی اذهان عمومی مسلمین در محرم و به ویژه دهه‌ی اول متوجه واقعه‌ی کربلا نگردد و به آن تفکر نکنند و از سوی دیگر

مشغول به دنیا و جشن و شادی و سرور باشند، اعلام کردند که ماه‌های هجری از محرم شروع می‌شود [در حالی که از ربیع‌الاول بود] و دهه‌ی اول را نیز به عنوان جشن آغاز سال بدعت گذاشتند .

پس، کربلا و عاشورا به لحاظ کتب اهل سنت به دو دسته است: کتبی که ضمن نقل بخشی از حقایق و وقایع، یزید و طرفداران او را محکوم و حتی لعن کرده‌اند - کتبی که سعی کردند توجیه کنند.

اما به لحاظ مردم اهل سنت، به چند دسته تقسیم می‌گردند: مردمی که کتاب و تاریخ را مطالعه کرده و اطلاعاتی دارند - مردمی که به امام حسین (علیه السلام) عشق می‌ورزند و معاویه و یزید را لعنت می‌کنند - مردمی که اساساً از موضوع دینی و اعتقادی غافلند و فقط یک سری اعمال خشک و بی‌روح انجام می‌دهند - مردمی که حتی بغض دارند [مثل ناصبی‌ها و وهابیت کنونی].

این جوری ادامه می‌دهد: آنها اگر به تاریخ نگاه می‌کردند می‌فهمیدند که اصلاً یزید خلیفه نبوده و مردم ملزم [مجبور] به بیعت با او شدند و یزید از هیچ کار قبیحی دوری نکرده است و بر فرض که عقد بیعت او صحیح هم باشد، خلافت‌های او سر زده است که همه آنها موجب فسخ بیعت است و با وجود این، به حرف ابوبکر ابن عربی مالکی کسی تمایل پیدا نخواهد کرد مگر انسان های جاهل

نظر اهل سنت درباره لعن یزید

حادثه کربلا در میان اهل تسنن موجی ایجاد کرد که زبان و قلم دانشمندان آنان گاه ناخواسته و زمانی با شجاعت به توصیف و تجزیه و تحلیل آن پرداخته است.

شوکانی در کتاب «نیل الاوطار»

شوکانی در کتاب «نیل الاوطار» در رد بعضی از سخنوران درباری می‌گوید: به تحقیق عده‌ای از اهل علم افراط ورزیده، چنان حکم کردند که: «حسین(علیه السلام) نوه پیامبر که خداوند از او راضی باشد، نافرمانی یک آدم دائم الخمر را کرده و حرمت شریعت یزید بن معاویه را هتک کرده است.» خداوند لعنتشان کند، چه سخنان عجیبی که از شنیدن آنها مو بر بدن انسان راست می‌گردد.

تفتازانی در کتاب «شرح العقاید»

تفتازانی در کتاب «شرح العقاید» می‌نویسد: حقیقت این است که رضایت یزید به قتل حسین(علیه السلام) و شاد شدن او بدان خیر و اهانت کردنش به اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) از اجباری است که در معنی متواتر است هر چند تفاسیل آن متواتر نیست. درباره مقام یزید بلکه درباره ایمان او که لعنت خدا بر او و یارانش باد، توافقی نداریم.

جاحظ

جاحظ می گوید: منکراتی که یزید انجام داد، یعنی قتل حسین(علیه السلام) و به اسارت گرفتن زن و فرزند او و ترساندن اهل مدینه و منهدم ساختن کعبه، همه اینها بر فسق و قساوت و کینه و نفاق و خروج از ایمان او دلالت می‌کند.

بنابراین، یزید فاسق و ملعون است و کسی که از لعن او جلوگیری کند، نیز ملعون است.

ابن حجر هیثمی مکی در کتاب «الصواعق المحرقة»

ابن حجر هیثمی مکی در کتاب «الصواعق المحرقة» می نویسد: پسر امام حنبل در مورد لعن یزید از وی پرسید. احمد در جواب گفت: چگونه لعنت نشود کسی که خداوند او را در قرآن لعن کرده است.

آنجا که می فرماید: **فصل عسیتم ان تولیتم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم اولئک الذین لعنهم الله** «و چه مفاسدی و قطع رحمی از آنچه یزید انجام داد، بالاتر است؟!»

شیخ محمد عبده می گوید: هنگامی که در دنیا حکومت عادل و وجود دارد که هدف آن اقامه شرع و حدود الهی است و در برابر آن حکومتی ستمگر است که می‌خواهد حکومت عدل را تعطیل کند، بر هر فرد مسلمانی کمک کردن حکومت عدل واجب است و از همین باب است انقلاب امام حسین که در برابر حکومت یزید که خدا او را خوار کند. ایستاد

عبدالرزاق مقرر در کتاب «مقتل الحسین»

عبدالرزاق مقرر در کتاب «مقتل الحسین» می‌گوید: به تحقیق گروهی از علما از جمله قاضی ابویعلی و حافظ ابن الجوزی و تفتازانی و سیوطی در مورد کفر یزید نظر قطعی داده‌اند و با صداقت تمام لعن او را جایز شمرده‌اند.

شیخ محمد عبده

شیخ محمد عبده می گوید: هنگامی که در دنیا حکومت عادل و وجود دارد که هدف آن اقامه شرع و حدود الهی است و در برابر آن حکومتی ستمگر است که می‌خواهد حکومت عدل را تعطیل کند، بر هر فرد مسلمانی کمک کردن حکومت عدل واجب است و از همین باب است انقلاب امام حسین که در برابر حکومت یزید که خدا او را خوار کند. ایستاد.

سیط بن جوزی

از سبط بن جوزی در مورد لعن یزید پرسیده شد. او در جواب گفت: احمد حنبل لعن او را تجویز کرده است، ما نیز به خاطر جنایاتی که درباره پسر دختر رسول خدا مرتکب شد، او را دوست نداریم و اگر کسی به این حد راضی نمی‌شود، ما هم می‌گوییم اصل، لعنت کردن یزید است.

امام شافعی

حادثه کربلا چنان در قلوب نفوذ کرد که بسیاری از بزرگان اهل تسنن آن را در قالب شعر مطرح ساخته، اندوه خویش را ابراز کردند. امام شافعی که در دوستی اهل بیت زیانزد است. درباره نهضت کربلا چنین سروده است:

قتیل بلا حرم کان قمیصه صبیغ بماء الارحوان خصیب نصلی علی المختار من آل هاشم و
نوذی بنیه ان ذاک عجیب لئن کان ذنبی حب آل محمد(صلی الله علیه و آله) فذلک ذنب لست
عنه اتوب هم شفعا ئی یوم حشری و موقفی و بغضهم للشافعی ذنوب

حسین(علیه السلام) کشته‌ای بی گناه است که پیراهن او به خونش رنگین شده و عجب از
ما مردم آن است که از یک طرف به آل پیامبر درود می‌فرستیم و از سوی دیگر فرزندان او را
به قتل می‌رسانیم و اذیت می‌کنیم!

اگر گناه من دوستی اهل بیت پیامبر است، پس من هیچ‌گاه از آن توبه نمی‌کنم. اهل بیت پیامبر(علیهم
السلام) در روز محشر شفیعان من هستند و اگر نسبت به آنان دشمنی داشته باشم، گناهی
نابخشودنی است .

منبع:

<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=190476>